

برخی‌زوبپاکن یک انقلاب تازه

ای کارگر که گشته از توجّهان آبا دان
درید قدرت توست راه نجات انسان
از رزم تو فتاده لرزه به کاخ ظالمان
از رزم توست امروز سرمایه دارنالان
در اعتصاب ماهر در انقلاب رخشان
کن ظفربراین شرایط با اعتصاب دوباره
برخی‌زوبپاکن یک انقلاب تازه
عمری در کار و زحمت روزوشبی خسته جان
حاصل رنج و زحمت دشمن برد چه اسان
راضی به این همه نیست سرمایه داری وجدان
سودش که کم گردد، آرد نهنگ فقر به میدان
عرصه کار بر کارگر میکند جهنم دو چندان
ارابه قیام را بکشان در خیابان فریاد بزن دوباره
برخی‌زوبپاکن یک انقلاب تازه
ای توده ستم کش حکمت دین همین است
از فکر ارتجایی کشتار خلق یقین است
غارت شده تکیده روح در حزین است
ممزوج سرمایه و دین همواره همین است
چون دیو ترسناکی دائم در کمین است
با همه یاران همرا در اعتصاب دوباره
برخی‌زوبپاکن یک انقلاب تازه
تا هست نظم سرمایه در جهان برقرار
فقر کارگر فزون دولا کمرش به زیر کار
کس نمی رسد بفریاد و مکن خیال غیر
به صنف خود تکیه کن محکم و استوار
حرفی ببر به انجمن و پیغامی هم بیار
انجمن کن مهیا و تدارک بین قیامی دوباره
برخی‌زوبپاکن یک انقلاب تازه